

گلزاری:

دستگاه‌هایی که با باج‌نیوزها همکاری کنند، معرفی می‌شوند



دبیر شورای اطلاع‌رسانی دولت با تاکید بر اینکه نباید به باج‌نیوزها فرصتی برای رشد داده شود، گفت: برابر تصمیمات اتخاذ شده گزارش فعالیت هر شرکت،

دستگاه یا ادارای که با باج‌نیوزها همکاری داشته باشد به وزیر مربوطه ارائه خواهد شد. محمد گلزاری در گفت‌وگو با ایلنا، در پاسخ به سوالاتی درخصوص مهمترین اقدامات دولت برای مقابله با باج‌نیوزها اظهار کرد: در برخی موارد تعریف درستی از باج‌نیوز وجود ندارد و همین موضوع سبب می‌شود که برخی تصور کنند که منظور از باج‌نیوز رسانه‌ای است که انتقاداتی را مطرح کرده باشد، در حالی که به هیچ عنوان چنین گزاره‌ای صحیح نیست. به گفته دبیر شورای اطلاع‌رسانی دولت اکثر باج‌نیوزها هیچ مجوزی برای فعالیت ندارند، حتی برخی به نام فرد یا گروهی خود را معرفی می‌کنند که اصلاً وجود خارجی ندارد. گلزاری با تاکید بر اینکه دولت خود را ملزم به حمایت از جریان آزاد اطلاع‌رسانی و رسانه‌های مستقل می‌داند، گفت: باج‌نیوزها نباید جای رسانه‌ها را بگیرند.

□□□

صالحی امیری:

طی ۶ ماه آینده ما به ظرفیت گردشگری قبل از جنگ برمی‌گردیم



وزیر میراث فرهنگی و گردشگری با بیان اینکه ارزیابی‌مان این است که طی شش ماه آینده ما به ظرفیت قبل از جنگ بر گردیم، گفت:

باید ظرفیت جدیدی را ایجاد کنیم. ایجاد احساس امنیت و اترع‌یو با کشورهای هدف گفت‌وگو کنیم که این کار را انجام می‌دهیم تا نهایتاً به مرزهای گذشته گردشگری برسیم. به گزارش ایلنا، سید صالحی امیری دیروز در پایان جلسه هیات دولت با حضور در جمع خبرنگاران افزود: اولویت و تمرکز ما در جذب گردشگر آسیای میانه، قفقاز، خلیج فارس است و از عراق سه و نیم میلیون گردشگر زیارتی و سیاحتی داریم تا عربستان و کویت و بحرین به همین ترتیب پیش می‌رویم. بعد کشورهای بزرگ اسلامی مصر و اندونزی و مالزی، وی گفت: در حال حاضر همکاران من برای گفت‌وگو و تفاهم در اندونزی هستند، بعد چین و هند و روسیه را هدف قرار دادیم.

□□□

انحلال دانشکده گردشگری دانشگاه تهران



در پی انتشار اخبار و گزارش‌هایی مبنی بر ادغام دانشکده گردشگری دانشگاه تهران با دانشکده تجارت، رئیس فراکسیون گردشگری، میراث فرهنگی

و صنایع دستی مجلس شورای اسلامی با ارسال نامه‌ای به وزیر علوم، تحقیقات و فناوری نسبت به این موضوع واکنش نشان داد. به گزارش ایلنا، محسن فتحی، در این نامه، با تأکید بر اهمیت بی‌پدیل صنعت گردشگری در توسعه اقتصادی و فرهنگی کشور، از وزیر علوم خواست نسبت به جلوگیری از انحلال یا ادغام دانشکده گردشگری اقدام فوری صورت گیرد. وی تصریح کرده است که «فارغ از اختلاف‌های درون دانشگاهی، حذف یا ادغام دانشکده گردشگری با هیچ‌یک از اهداف توسعه‌ای و اسناد بالادستی کشور همخوانی ندارد و به نوعی تضییع منافع ملی محسوب می‌شود.» فتحی همچنین در کاربرد رسمی سؤال از وزیر علوم که به هیأت رئیسه مجلس تقدیم شده، بر سیده است: «با توجه به نقش صنعت گردشگری در توسعه کشور، چه ضرورتی برای حذف دانشکده گردشگری دانشگاه تهران و ادغام آن با سایر دانشکده‌ها وجود دارد؟» قرار است این سؤال در کمیسیون تخصصی مجلس بررسی و پس از آن در صورت قانع نشدن نماینده سؤال کننده، در صحن علنی مجلس مطرح شود.

□□□

جهانگیر پاسخ داد:

پرونده تلو در صورت پذیرش تویه به کجا می‌رسد؟



سخت‌گویی قوه قضائیه گفت: پس از احراز تویه امیر تلو، پرونده در تاریخ ۹ شهریور ۱۴۰۴ به حوزه ریاست واصل شده و در حال بررسی است. اگر ریاست قوه

قضاییه بپذیرند، پرونده برای عفو خدمت‌مقام معظم رهبری معرفی خواهد شد. به گزارش ایلنا، اصغر جهانگیر درباره آخرین وضعیت پرونده تلو گفت: اولاً باید توجه داشت که در قانون مجازات اسلامی میبختی به نام «تویه» وجود دارد که نشان می‌دهد حتی پس از اثبات جرم هم یکی از راه‌های سقوط حکم، تویه است و بسیاری از افراد تاکنون از این حق قانونی استفاده کرده‌اند.

□□□

نمایش «گل‌های کاغذی» و «کربت» در آلمان و برزیل



انیمیشن‌های کوتاه «گل‌های کاغذی» و «کربت» (تولید مرکز گسترش سینمای مستند، تجربی و پویانمایی) در دو جشنواره بین‌المللی روی

پرده می‌روند. به گزارش روابط عمومی مرکز گسترش سینمای مستند، تجربی و پویانمایی، «گل‌های کاغذی» که حضورهای بین‌المللی متعددی داشته، داستان نویسنده‌ای است که حس می‌کند به پایان راه رسیده... «گل‌های کاغذی» همچنین، در ادامه حضور جشنواره‌ای به بخش مسابقه دومین دوره جشنواره انیمیشن ایتالیا یو یو لیس برزیل راه یافته است. این جشنواره از سوم تا ششم مهرماه امسال بر گزار می‌شود. بنابراین گزارش، انیمیشن کوتاه «کربت» ساخته نیلوفر نادری تهرانی دیگر فیلمی است که در این جشنواره، نمایش داده می‌شود. داستان این انیمیشن درباره مرگی است که همسرش را از دست داده و باین فقدان کنار نیامده است. «کربت» به بخش ویژه داستانی پنجمین دوره جشنواره T-Short آلمان راه یافته است.

درباره آغشته شدن صحنه تئاتر به پول و اینستاگرام

وناگهان بلاگرها و سلبریتی‌ها قدم‌رنجه فرمودند



حاضران در سالن نمایش را تعیین مادی بخشیده و جایگاه‌شان را به میانجی ایسن جهان مفروض و ممکن، از نسو صورت‌بندی می‌کنند. یک اجرای خوب تئاتری علیه کلیشه‌های تثبیت‌شده زبان و نقش‌های بوروکراتیک شهر و ندان عمل می‌کند و راه‌های بدیل را پیشنهاد می‌دهد.

شور یخ‌خانه کافی است به تولیدات این روزهای تئاتر کلاشهر تهران دوباره نگاهی انتقادی کنیم و از انبوه اجراهای سترون و بی‌خاصیت شو که شویم.

اجراهایی که به لحاظ بوطیقای، شکستی‌فاحش‌اند و باز تولید کننده نظم ناعادلانه موجود. اما وضعیت آن گاه اسفناک‌تر می‌شود که در بعضی از این اجراها سرو و کله بلاگری معروف و یا یک سلبریتی پول‌ساز پیدا شده و فروش میلیاردری گروه تضمین می‌شود. جالب آن که در سالنی دیگر، یک اجرای خوب مثل نمایش «قبیله‌ها» بر صحنه است و مخاطب اندکی دارد. در این رقابت نابرابر، مخاطب تازه از راه رسیده تئاتر که آموزش چندی ندیده و سلیقه‌اش تربیت نشده، ترجیح می‌دهد به ملاقات بلاگر محبوب اینستاگرامی‌اش شرفیاب شود و با اشتراک عکسی دو نفره، به دوستانش اعلام کند که سعادت‌ی عظیم نصیب برده و جناب بلاگر را از نزدیک دیده است.

با توجه به اینکه فیلم‌نامه در فیلم صیاد دست بالا را دارد و فیلم اثری به شدت پر دیالوگ و حتی راهبردی است، تحلیل فیلم‌نامه و مسیر روایی از اهمیت اولویت برخوردار است. استراتژی حسین تراب‌نژاد در مقام نویسنده صیاد این بوده که در دو بستر تاریخی یکی تقابل صیاد و بنی‌صدر و دیگری مواجهه با سپاه در مقام فرمانده ارتش، دو مقطع تاریخی مهم و سرنوشت‌ساز تاریخ معاصر ایران را به تصویر درآورد و از سوی دیگر در خلال این تصویرسازی تاریخی، شمایل قهرمان گونه علی صیاد شیرازی را برجسته کند اما نتیجه آن شده که نه صیاد فیلم شمایل قهرمان گونه گرفته و نه تاریخ‌سازی فیلم در بستر درام و نه در مقام اطلاعات و یکی پدایی، جذاب و موثر از آب درآمده است.

تراب‌نژاد در صیاد سعی کرده در مقام فیلم‌نامه نویسنده، با ایجاد تقابل تاریخی، پارادوکس‌های سینمایی و مواجهه‌های جذاب درست کند: تقابل بهشتی و بنی‌صدر، تقابل صیاد و بنی‌صدر، تقابل ارتش و سپاه و همچنین طاغوتی و انقلابی، استراتژی فیلم‌نامه نویسنده اما مشکل این است که این دو قطبی‌های جذاب تاریخی نه در قالب سینمایی و پرداخت عمیق هنری بلکه در سطح دیالوگ و کلام باقی مانده و ماندگاری زیاد نداشته‌اند از این رو فیلم سینمایی صیاد فیلم پر حرف و کلامی است که اطلاعات تاریخی زیادی به مخاطب می‌دهد اما این اطلاعات به مثابه دیتاهای و یکی پدایی میماند که جان و جلال نمی‌گیرد و در حد همان سطح و کلام باقی می‌ماند.

این تششت و عدم انسجام در فیلم‌نامه علاوه بر اینکه سبب شده تصویر تاریخی دعوی بنی‌صدر و صیاد و ارتش و سپاه به خوبی مسیر نشود در ابعاد دیگر نیز پاشنه آشیل فیلم شده است. برای نمونه اینقدر که سنا ربو و

بدین منظور می‌بایست رویکردهایی تازه به مقوله اجرا به کار گرفته شود و از «میانجی» ها غفلت نشود. برای مثال کنار گذاشتن منطق بازی‌نمایی که نعل به نعل واقعیت اجتماعی را بازتاب دهد بدون میانجی امر عیثی است. چرا که بر صحنه آوردن یک نمایش که فاقد میانجی‌های لازم اجتماعی است به تقلیل گرایی و تحمل‌ناپذیری منجر خواهد شد.

روایت صحنه‌ای به «میانجی» احتیاج دارد تا از تقلید صرف حوادث روزمره امتناع کرده و حرف تازه بزند. بدن‌هایی که با تکیه بر تئاتر یکالیت‌های رادیکال این امکان را می‌یابند که سوز شوند و صحنه تئاتر را بدل به تجربه‌ای ناب از «دیگری» شدن کنند.

اما چاره چیست که در این و انفسا بر کودتور می‌و آب رفتن سفره‌های مردم، نهاد اجتماعی تئاتر خسته‌تر از گذشته، گرفتار روزمرگی است و قدم زدن محتاطانه در همان مسیرهای تثبیت‌شده گذشته. گویا کسی را یارای فاصله گرفتن از چسبندگی وضعیت این روزهای سخت و صعب نیست و اغلب اجراها باز تولید همان کلیشه‌های قدیمی است.

صد البته اجراهایی که بر مدار کم‌دی‌های مبتذل سر هم‌بندی شده و به وفور در گوشه و کنار شهر تحت عنوان «شادی شبانه» عرضه می‌شوند یحتمل کسب و کارشان رونق داشته باشد اما نکته اینجاست که در این دوران تعلیق، احتیاج است که در فضای عمومی هنرهای نمایشی، شوخ‌طبعی جای لوگدی بنشیند و ذائقه مخاطبان با تماشای آثار خوب تربیت شود.

دریغ که نسل قدیم در حال خارج شدن از عرصه نمادین هنر نمایش است و نسل جدید هم با تمامی جسارت‌هایش هنوز نتوانسته جای خالی بزرگان را پر کند. قبل از این در همین روزنامه گفته شد که نسل تازه تئاتر امیدبخش است و مترصد حضوری پر قدرت در میدان فرهنگی کشور، به هر حال «تجربه زیسته» این نسل، شتابناک است و متفاوت، بنابراین اجراهایی که این نسل بر صحنه می‌آورد می‌تواند از طریق خلق فرم‌های ناهنگام، امر نوراطلب کرده و تمنای ناممکن داشته باشند.

ساختی تازه و حقیقی می‌بخشد. تولید تئاتر را می‌توان ادامه تولید زندگی فردی دانست که «اجرا گانه» است و نقش اجتماعی



نگاهی به فیلم «صیاد»، ساخته جواد افشار؛

صیاد یا بنی‌صدر؛ ارتش یا سپاه؟!



محمد تقی زاده

پرداخت سینمایی و شمایل قهرمان گونه را داشته است اما در فیلم صیاد با اختلاط خط داستانی مولودار خانوادگی با یک مسیر تاریخی و و یکی پدایی که قرار بوده جنبه بیوگرافیک اثر تداعی شوند نه تنها قهرمانی به نام علی صیاد شیرازی ساخته نشده بلکه مسیر پیشبرد درام و راهبردهایی روایی نیز تا حد زیادی غیر منسجم و سطحی از کار درآمده است.

باین حال جواد افشار سازنده صیاد نظر دیگری داشت او منتقد است: «در چنین پروژه‌هایی

نمی‌توان به شیوه کلاسیک شخصیت‌پردازی کرد. شهید صیاد هیچ نقطه سیاهی در کارنامه‌اش نداشت که بخواهیم به آن بپردازیم. دیگر شخصیت‌هایی که نمونه‌ای از چهره‌های تاریخی هستند، برخی شخصیت‌ها، مانند نقش محمدضا هدایتی، عصاره‌ای از چند شخصیت واقعی است. مارال بنی‌ادم بازیگر بسیار خوبی است و حضور او در این نقش تأثیر مثبتی داشت. حتی خانواده شهید صیاد نیز در بازخوردهای اولیه از بازی او استعجاب کرده که این، بزرگ‌ترین هدف ما بود. اینکه بازیگران بتوانند همدیگر را لمس کنند، جزو اهداف ثانویه ما بود که به انتها رشادت‌های او تاریخی است بلکه انسانی منحصربه‌فرد و کارزماتیک بوده که از حیث فردی و نظامی ظرفیت‌های

اجازه می‌دهند در باب کیفیت بازی بازیگران حرفه‌ای نظر دهند و این نظردهی را با استناد به موفقیت خویش در گیشه، موفق و راهگشا بدانند، بدون تردید فاجعه‌ از دل این فلاکت تمام عیار بیرون زده و فضای عمومی تئاتر، بیش از پیش در متجارب نادانی و بی‌ذوقی فرو خواهد رفت. طرد بازیگران جوان با استناد و به حاشیه رفتن هنرمندان باتجربه، نتیجه ناگزیر این فرآیند گیشه‌محور است.

دیگر خبری از اجتماع پیشروی تئاتری نیست و هجوم بلاگرها و سلبریتی‌ها به صحنه شبیه دورهمی‌های شانه خواهد بود که هدفش خوشگذرانی و سرگرمی است. بازگویی، اندکی لودگی و بی‌شمار ادا و اطوارهای فرادستانه‌ای، به وفور در این شکل از اجراهای فان و با حال مشاهده می‌شود.

در واکنش به این وضعیت فراگیر ابتذال می‌بایست سلاح نقد را بیش از پیش تیزتر کرد و بر این فضای مسموم با تمام قوا تاخت. در جایی که هنرمندان کاربلد به دلایل پیدا و پنهان به محاق رفته و جوانان مشتاق و باانگیزه، عرصه‌ای برای فعالیت نمی‌یابند، نهاد اجتماعی نقد می‌تواند با صراحت بیشتر وارد عمل شده و به شکل رادیکال حقیقت را از دروغ مجزا کرده و چراغی در تاریکی این روزهای تئاتر روشن کند.

از یاد نبریم که هنر تئاتر به دلیل زنده بودن و تماس مستقیم با تماشاگران، همچمنی می‌تواند راهگشای بی‌بدیل باشد.

تجربه ساختن یک اجرا که از دل مشارکت حاضران در صحنه ممکن می‌شود همان رمز یکتایی تئاتر در طول تاریخ بوده است. خالی کردن این پدیده مهم اجتماعی از ظرفیت‌هایش خیانتی است ناخوشودنی که نتایج مهلکی به بار خواهد آورد. اختگی، بی‌مسئله‌بودن و نگاه تجاری داشتن به صحنه نمایش، بی‌شک تیشه‌زدن به ریشه هنر اصیل است.

باید علیه این خیانت ناخوشودنی با شجاعت ایستاد و از حقیقت صحنه گفت‌و برای ساختن یک اجتماع تئاتری که انسان محور باشد تلاش کرد. راه دشوار است و موانع بی‌شمار. اما کیست که بتواند از کنش جمعی عاشقان تئاتر در تغییر وضع موجود جلوگیری کند، همان زمان که صحنه از بلاگرها و سلبریتی‌های بی‌استعداد پس گرفته شده و سرود شادی سردا می‌شود.



پرده نقره‌ای

کارگردانی فیلم به وجه شخصیتی بنی‌صدر پرداخته و از نزدیکی گرم و صدای هوم برق‌نورد تا برخی بزرگه‌های موقعیتی او را تصویر کرده به شمایل قهرمان گونه وفردی صیاد شیرازی اهمیت نداده است به طوری که فیلم‌گویی فیلمی درباره بنی‌صدر نخست وزیر مملو از ایران است تا علی صیاد فرمانده ارتش جمهوری اسلامی. از این رو پرآکندگی و بالابودن حجم محتوای فیلم سبب عدم تمرکز سناریو روی وجه کارزماتیک علی صیاد شیرازی شده و حتی باعث شده نقطه تمرکز فیلم از صیاد به بنی‌صدر تغییر پیدا کند.

در پایان باید به تکنولوژی هوش مصنوعی برای صداسازی شخصیت‌هایی چون صیاد شیرازی و محسن رضایی اشاره کرد که با وجود هیاهوی زیادی که در تبلیغات جشنواره‌ای فیلم پیدا کرده بود نتوانست کارکرد چندی در جذابیت و دراماتیک کردن فیلم داشته باشد نکته مشخص در ساخت فیلم‌های سینمایی اساساً پرداخت قصه و انسجام و شخصیت‌پردازی است و گر نه وجه تکنولوژی فیلم‌ها به رغم پیشرفتی که در این سال‌ها داشته تنها سبب شده ابعاد تکنیکال کارها، تقا پاید و کمک چندی روی تأثیر و ماندگاری آنها نداشته است. چهره‌پردازی شهید بابازی علی سربا البته شباهت قابل توجهی به شهید دارد اما بقیه نه، که بدترین هایشان محمدعلی رجایی و حسن باقری و محسن رضایی‌اند؛ چون لابد نبوده همه فرماندهان ارشد جنگ، باربط و بی‌ربط، در فیلم باشند. بر این‌ها باید بهره‌گیری از هوش مصنوعی برای ساخت صدای واقعی شخصیت‌ها را مورد توجه قرار داد که برای همه، به‌ویژه عصبان و باقری به‌شهیددارد آب درآمده است. دیگر، اشکالات عجیب کارگردانی است؛ از موهای اسفندیار رسولی (بابازی نادر سلیمانی)؛ تا تابلاس بی‌تناسب بافضل صیاد در جاهای مختلف – که برای مثال، در هنگام شنیدن خبر عزل بنی‌صدر که ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ بود، لباس گرم بر تن داشت. صیاد صرفاً یک فیلم جنگی با ریتم تند و پرهیجان است که اگر درباره برهه دیگری از دفاع مقدس هم بود، همین‌طور می‌شد اما حتی با ژانر خود هم کنار نیامده است.

مسئله آخر به ارزیابی کیفیت بازی‌ها مربوط می‌شود حضور زوج علی سربا و مارال بنی‌آدم که در دنیای واقعی زن و شوهر هستند برای به تصویر کشیدن هر چه صمیمی‌تر بودن فضای خانه صیاد اتفاق افتاده اما شلوغی و ازدحام اتفاقات و کم‌رنگ شدن درونمایه‌های مولودار کار به نحوی آشکار این استراتژی و طراحی را بی‌اثر کرده است. حضور هومن برق‌نورد و گرم و کمک زیادی به باورپذیری نقش بنی‌صدر کرده است و تقابل علی سربا با تئاتری و هومن برق‌نورد سینمایی در ترسیم کردن شمایل دو شخصیت سیاسی و نظامی ایران معاصر از جذابیت‌های فیلم است که به نظر می‌رسد اجرای بازیگران نمره قبولی بگیرد و مقصور و کمبود نقش‌هایش از اجرای بازیگران به کارگردانی و نقصان‌های فیلم‌نامه مربوط بوده که به جای تمرکز روی شخصیت‌ها قاصد داشته انبوه زیاده از اتفاقات، روابط، آدم‌ها و شباهت‌ها را یکجا و در زمان کوتاه پاسخ دهد.

